

طراحی یک مدل مفهومی مبتنی بر فعالیت‌های اقتصادی برای بهبود نظام آموزش مدیریت تخصصی

امید اردلان*^۱، محدثه نادرشاهی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۲۷ صص ۱۶۶-۱۴۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۹

چکیده

این موضوع که مدیران بنگاه‌های کشور، دانش و مهارت‌های اکتسابی مدیریت را باید از کدام منبع فرا بگیرند، پرسشی جدی است. هدف از این مقاله طراحی مدل مفهومی مبتنی بر فعالیت‌های اقتصادی برای بهبود نظام آموزش مدیریت تخصصی می‌باشد. این تحقیق توصیفی و از نوع اکتشافی و بر مبنای دستاورد تحقیق، کاربردی است. جامعه آماری تحقیق، شامل مدیران بنگاه‌های اقتصادی بخش‌های مختلف استان کرمانشاه که تعداد آن‌ها ۱۸۹ نفر و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۸۰ نفر محاسبه و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای استفاده گردید. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسش نامه محقق ساخته با طیف لیکرت می‌باشد. ضمناً با بررسی متون تخصصی از روش تحلیل محتوی مدل مفهومی استخراج گردید. نتایج نشان می‌دهد که امروزه بنگاه‌های اقتصادی کشور فاقد مدیریتی متخصص می‌باشند و با وجود رویکردهای فعلی نظام آموزش در تربیت مدیران، کسب تجربه راه شناخته شده‌ای است که اکثر مدیران از این طریق مهارت‌ها، تکنیک‌ها و روش‌های تخصصی مدیریتی را فرا می‌گیرند. در این تحقیق با هدف بهبود نظام آموزش مدیریت تخصصی، به منظور تربیت مدیران کارآمد برای راه‌اندازی و اداره فعالیت‌های اقتصادی، یک مدل مفهومی پیشنهاد شد. ساختار این مدل مفهومی شامل دو بخش اصلی است. بخش اول مجموعه اقدامات پیش‌نیازی است که باید قبل از طراحی دوره‌ها، مدیران بنگاه‌های اقتصادی بخش‌های مختلف آن را طی نمایند و بخش دوم مجموعه اقدامات مشترکی است که در طراحی هر دوره می‌بایستی انجام پذیرد. این مدل با مطالعه متون تخصصی در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی و با بهره‌گیری از نظر متخصصین، تدوین گردیده تا چارچوبی برای طراحی دوره‌های مدیریت تخصصی حاصل گردد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، فعالیت اقتصادی، مدیریت تخصصی، نظام آموزش.

۱- استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش ج.ا.ایران

۲- مربی، گروه مهندسی صنایع، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
* نویسنده مسئول مقاله: ardalan62omid@gmail.com

مقدمه

بررسی روند تحول تقاضا برای آموزش عالی نشان داده است که این روند، روندی افزایشی است که در کلیه کشورهای جهان مشاهده می‌گردد. آموزش عالی به تدریج از ماهیت وجودی کالای لوکس خارج شده و به صورت یک کالای ضروری خودنمایی می‌کند (Emadzadeh, 2005). تربیت نیروی کارآمد و پاسخگو تا حد زیادی می‌تواند از طریق آموزش مبتنی بر نیازهای حال و آینده میسرگردد، لذا امروزه دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزشی اصلی‌ترین تولیدکننده سرمایه انسانی شده‌اند. در واقع آموزش توانمندترین، کارآمدترین و کم هزینه‌ترین ابزار در روزآمد نمودن مهارت و تخصص می‌باشد، از طرفی مهارت نیز عامل کلیدی توان رقابت و امنیت شغلی به شمار می‌رود (Farastkhah, 1999).

یکی از مهم‌ترین مسایل هر کشوری ایجاد اشتغال مولد برای افراد جویای کار می‌باشد، و این موضوع از مهم‌ترین دغدغه‌های مدیریت کشور محسوب می‌شود. آموزش نقش بسزایی در اشتغال ایفا می‌کند، لذا می‌تواند به این دو مقوله مهم به صورت اصولی پرداخته شود. تعامل معنی‌دار اشتغال و آموزش با بیان چهار اصل تبیین می‌گردد (Fallah, 2005):

اصل اول: اشتغال آحاد جامعه عمدتاً از طریق فعالیتهای اقتصادی تحقق می‌یابد.

اصل دوم: هر فعالیت اقتصادی متشکل از یک یا چند شغل می‌باشد.

اصل سوم: افراد شاغل در فعالیتهای اقتصادی باید از مهارت و تخصص برخوردار باشند.

اصل چهارم: کسب مهارت و تخصص از طریق آموزش حاصل می‌گردد.

لازم به ذکر است فعالیتهای اقتصادی در حقیقت همان فعالیتهای تولیدی و خدماتی هستند که ماحصل آنها عرضه کالاها و خدمات به جامعه می‌باشد. آنچه مسلم است افزایش بهره‌وری و کارآمدی شاغلین فعلی از یک سو و ایجاد زمینه‌های اشتغال برای افراد جویای کار از سوی دیگر در گرو توسعه کیفی و کمی فعالیتهای اقتصادی بوده و در هر دو بعد نقش آموزش بسیار تعیین کننده است. در بعد کیفی، آموزش منجر به ارتقای سطح دانش و مهارتی شاغلین فعال در فعالیتهای اقتصادی می‌گردد که علاوه بر افزایش کیفیت کالاها و خدمات، افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع را نیز به دنبال خواهد داشت. در بعد توسعه کمی فعالیتهای اقتصادی، آموزش افراد جویای کار همراه با فراهم نمودن سرمایه و امکانات مورد نیاز منجر به ایجاد اشتغال مولد و حل معضل بیکاری از یک سو و افزایش سطح عرضه کالاها و خدمات به جامعه از سوی دیگر می‌گردد (Harandi, 2009).

نقش مدیریت در توسعه کمی و کیفی فعالیتهای اقتصادی بسیار تعیین کننده است و در نتیجه آموزش افراد توانمند در این حوزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. وجه مشترک

تمام فعالیتهای اقتصادی، عناصر و اجزای تشکیل دهنده آنها شامل نیروی انسانی، تجهیزات و ابزارآلات، فضای کاری و تسهیلات است که فراهم ساختن و به کارگیری صحیح این اجزای و عناصر مستلزم مدیریتی متخصص، آگاه و توانمند می باشد (Fallah, 2009). در اینجا ذکر دو نکته ضروری است. نخست اینکه مدیریت در دنیای امروز علاوه بر هنر ذاتی، علمی است که از طریق آموزش کسب می گردد. ثانیاً آموزش مدیریت عمومی نیز نمی تواند پاسخگوی نیاز مدیریت تخصصی فعالیتهای اقتصادی باشد.

حال این پرسش مطرح می شود که مدیران بنگاههای اقتصادی که اصولاً در فعالیتهای تولیدی و خدماتی که همان فعالیتهای اقتصادی محسوب می شوند، فعالیت دارند، چگونه با مبانی و اصول مدیریت، روشها و تکنیکهای مختص آن، آشنا می شوند؟ این موضوع که مدیران بنگاههای کشور، دانش و مهارتهای اکتسابی مدیریت را باید از کدام منبع فرا بگیرند، پرسشی جدی است.

با وجود رویکردهای فعلی نظام آموزش در تربیت مدیران، کسب تجربه راه شناخته شدهای است که اکثر مدیران از این طریق مهارتها، تکنیکها و روشهای تخصصی مدیریتی را فرا می گیرند. گرچه پذیرش تجربه به عنوان یکی از طرق فراگیری قابل انکار نیست، اما محدود نمودن فرآیند تربیت مدیران بنگاههای اقتصادی به این رویه، غیر قابل دفاع می باشد. چرا که در آن صورت نظام آموزش و دهها دانشگاه و موسسه آموزشی که به آموزش گرایشهای مختلف رشته مدیریت می پردازند، بیهوده و عبث خواهند بود و هر بخش از کشور می تواند مدعی شود که مدیران خود را از طریق تجربه آموزش می دهد که طبیعتاً به تنهایی فاقد اثر بخشی و کارآمدی لازم است (Hashemi, 2007). بنابراین طراحی و استقرار نظام آموزشی که بتواند افرادی با توانایی ذاتی مدیریتی را جذب نموده و مهارتهای مورد نیاز مدیریتی و همچنین مهارتهای فنی و تخصصی متناسب با فعالیت اقتصادی مورد نظر را آموزش دهد، ضرورتی است که در این مقاله به اهمیت آن پرداخته می شود. در این مقاله مدلی مفهومی برای پیاده سازی نظام آموزش مدیریت تخصصی پیشنهاد شده است که از طریق نظرسنجی، اعتبار مدل، اهمیت اجرایی نمودن آن، پیامدها و موانع را مورد ارزیابی قرار می دهد.

مدیریت و راهبری، امروزه مهم ترین عنصر عرصه اقتصاد به شمار می رود. از نگاه اندیشمندان این عرصه، مدیریت، فرآیند استفاده بهینه از منابع به شمار می رود، لذا وجود منابع بی شمار مادی و انسانی فقط با بهره گیری از مدیریت کارآمد قابل بهره برداری است، چه برسد به زمانی که منابع مادی و انسانی کافی در دسترس نباشد. سرمایه، منابع انسانی، نرم افزاری و سخت افزاری عوامل بسیار مهمی در راه اندازی و بهره برداری فعالیتهای اقتصادی

به شمار می‌رود، اما این عوامل فقط زمانی کارآمد و اثربخش خواهند بود که به نحو مطلوبی مدیریت شده باشد.

(Farastkhah, 2011)

به طور کلی در عرصه مدیریت دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول مدیریت عمومی است که طرفداران این رویکرد معتقدند مدیریت علم و هنری است که اصول ثابت و مشخصی دارد که این اصول و مبانی ثابت، در هر زمینه‌ای قابلیت اجرا دارد. در نتیجه معتقدند که با فراگیری این مهارت‌ها، فرد قادر است در هر زمینه‌ای مدیریت کند. رویکرد دوم مدیریت گرایشی است که در این رویکرد به جای مدیریت عمومی، به گرایشی نمودن مدیریت معتقدند و بر این باورند که باید گرایش‌های مدیریتی از قبیل مدیریت صنعتی، مدیریت بازرگانی، مدیریت دولتی و غیره وجود داشته باشد.

طبق تحقیقات انجام شده که در ادامه به آن اشاره می‌گردد رویکرد دوم نیز امروزه قادر نیست افرادی با توانمندی مدیریتی لازم را برای ایجاد و اداره موفقیت‌آمیز فعالیت‌های اقتصادی تربیت نماید.

بنا به گزارش اداره کسب و کارهای کوچک در آمریکا، بیش از ۵۰٪ کسب و کارهای کوچک در سال‌های اول با شکست روبرو شده و ۹۰٪ آن‌ها در ۵ سال اول از بین می‌روند. تحقیقات در این کشور نشان داده که عدم آشنایی با اصول مدیریت، یکی از دلایل مهم این شکست‌هاست در تحقیقات میدانی که در یکی از بزرگترین شرکت‌های نساجی ایران در کاشان انجام شد به این نکته اشاره شده است که متأسفانه سازمانی که بیش از ۴۰ سال تجربه کاری و مدیریتی را پشت سر می‌گذارد، هنوز در به‌کارگیری و اجرای اولیه مدیریت علمی ناتوان و بسیار ضعیف عمل نموده است.

امروزه صنعت سیمان با گردش مالی بالا، یکی از بزرگ‌ترین صنایع کشور به شمار می‌رود. میزان اشتغال‌زایی مستقیم این صنعت در حال حاضر چشم‌گیر بوده و با اجرای طرح‌های جدید نیز افزایش یافته است. در مورد اهمیت محصول سیمان و نقشی که در فرآیند توسعه و عمران کشور دارد، جای هیچ شبهه‌ای نیست، بنابراین این‌گونه منابع با چنین نقش حساسی نیازمند مدیریت کارآمد است. اما با بررسی اجمالی به ویژگی‌های مدیران این صنعت به خوبی مشخص می‌شود که صنعت سیمان نیز همانند سایر صنایع کشور توسط مهندسی‌ن‌داران اداره می‌شود، مهندسی‌ن‌ که اغلب گرایش شیمی و یا مکانیک و صنایع و امثالهم دارند. محتوای دروس رشته‌های مختلف مهندسی نشان می‌دهد که به جزء رشته مهندسی صنایع که مباحث مدیریتی را در برخی از دروس مورد توجه قرار می‌دهد، در رشته‌های دیگر مهندسی، دروس مدیریتی گنجانیده نشده است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که مدیران بنگاه‌های اقتصادی که اصولاً در فعالیتهای تولیدی و خدماتی که همان فعالیتهای اقتصادی محسوب می‌شوند، فعالیت دارند، چگونه با مبانی و اصول مدیریت، روش‌ها و تکنیک‌های مختص آن، آشنا می‌شوند؟ این موضوع که مدیران بنگاه‌های کشور، دانش و مهارت‌های اکتسابی مدیریت را باید از کدام منبع فرا بگیرند، پرسشی جدی است.

امروزه بنگاه‌های اقتصادی کشور فاقد مدیریتی متخصص می‌باشند و با وجود رویکردهای فعلی نظام آموزش در تربیت مدیران، کسب تجربه راه شناخته شده‌ای است که اکثر مدیران از این طریق مهارت‌ها، تکنیک‌ها و روش‌های تخصصی مدیریتی را فرا می‌گیرند. گرچه پذیرش تجربه به عنوان یکی از طرق فراگیری قابل انکار نیست، اما محدود نمودن فرآیند تربیت مدیران بنگاه‌های اقتصادی به این رویه، غیر قابل دفاع می‌باشد. چرا که در آن صورت نظام آموزش و ده‌ها دانشگاه و موسسه آموزشی که به آموزش گرایش‌های مختلف رشته مدیریت می‌پردازند، بیهوده و عبث خواهند بود و هر بخش از کشور می‌تواند مدعی شود که مدیران خود را از طریق تجربه آموزش می‌دهد که طبیعتاً به تنهایی فاقد اثر بخشی و کارآمدی لازم است.

روش پژوهش

به طور کلی این تحقیق بر مبنای هدف توصیفی و از پیمایشی بوده و بر مبنای نتایج از نوع کاربردی می‌باشد. این تحقیق در دو گام انجام شد. در گام اول (کیفی) به منظور طراحی مدل مفهومی نظام آموزش مدیریت تخصصی مبتنی بر فعالیت اقتصادی به تحلیل محتوی متون تخصصی پرداخته شد و در گام دوم (کمی) از دو پرسشنامه مستخرج از گام اول، استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق، شامل ۱۸۹ نفر از مدیران بنگاه‌های اقتصادی بخش‌های مختلف استان کرمانشاه می‌باشد. ضمناً روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای می‌باشد و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر ۸۰ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق دو پرسشنامه (پرسشنامه میزان اثربخشی نظام آموزشی مدیریت تخصصی فعلی با ۱۰ گویه و پرسشنامه چگونگی آشنایی مدیران تخصصی با مهارت‌های مدیریتی با ۱۰ گویه) می‌باشد. روایی پرسش‌نامه از دو جنبه روایی ظاهری و محتوایی، به جهت روشن و بدون ابهام بودن گویه‌ها و همچنین کفایت کمیت و کیفیت آن‌ها، توسط خبرگان و صاحب‌نظران و استادان دانشگاه تایید گردید. ضمناً برای افزایش پایایی تحقیق کیفی اقدام به مستند کردن اسناد و مدارک مورد استفاده، شده

است. ضریب پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ، مقدار ۰/۹۲۷. به دست آمد که نشان دهنده پایایی بالای پرسش نامه است.

مدل مفهومی نظام آموزش مدیریت تخصصی مبتنی بر فعالیت اقتصادی

در این تحقیق، به منظور بهبود نظام آموزش مدیریت، مدلی مفهومی که اساسا با محوریت فعالیت اقتصادی پایه‌ریزی شده است ارائه می‌گردد. این مدل بر اساس تحلیل محتوی متون تخصصی استخراج گردید. هدف اصلی مدل مفهومی ارائه چارچوبی برای طراحی دوره‌های مدیریت تخصصی است که افراد واجد شرایط با گذراندن این دوره‌ها قادر خواهند بود تا در ایجاد و یا اداره بنگاه‌های اقتصادی مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی (تولیدی و یا خدماتی) که آموزش دیده‌اند مبادرت نمایند. ساختار مدل مفهومی که شامل دو بخش اصلی است در شکل (۱) نشان داده شده است. بخش اول مجموعه اقدامات پیش‌نیازی است که باید قبل از طراحی دوره‌ها، مدیران بنگاه‌های اقتصادی بخش‌های مختلف آن را طی نمایند و بخش دوم مجموعه اقدامات مشترکی است که در طراحی هر دوره می‌بایستی انجام پذیرد.

بخش اول: اقدامات پیش‌نیاز جهت طراحی دوره‌های مدیریت تخصصی

الف) شناسایی فعالیت‌های اقتصادی

به منظور شناسایی فعالیت‌های اقتصادی، ابتدا لازم است تعریفی جامع و مانع از فعالیت اقتصادی در نظر گرفته شود. در تحقیقی (Hasani, 2015)، تعریف فعالیت اقتصادی استاندارد شده است که در این مقاله نیز از این تعریف استفاده می‌شود:

"فعالیت اقتصادی به فعالیتی اطلاق می‌شود که فرد یا گروهی از افراد جامعه با استفاده از فضا، تجهیزات، مواد اولیه و اطلاعات مورد نیاز، مبادرت به تولید و یا ارائه خدمات می‌نمایند و دارای ویژگی‌های زیر است:

- تفکیک آن به اجزاء کوچکتر مقرون به صرفه نمی‌باشد.

- همراه با ارزش افزوده است.

- تولیدات یا خدمات مشابهی را عرضه می‌نماید.

- درآمد حاصل از آن، معیشت افراد شاغل را تأمین می‌نماید.

- استانداردهای مشخصی را دارا است.

- در چارچوب قوانین و ضوابط دولتی و به صورت خصوصی، دولتی و یا تعاونی انجام می‌شود."

(Yari, 2010)

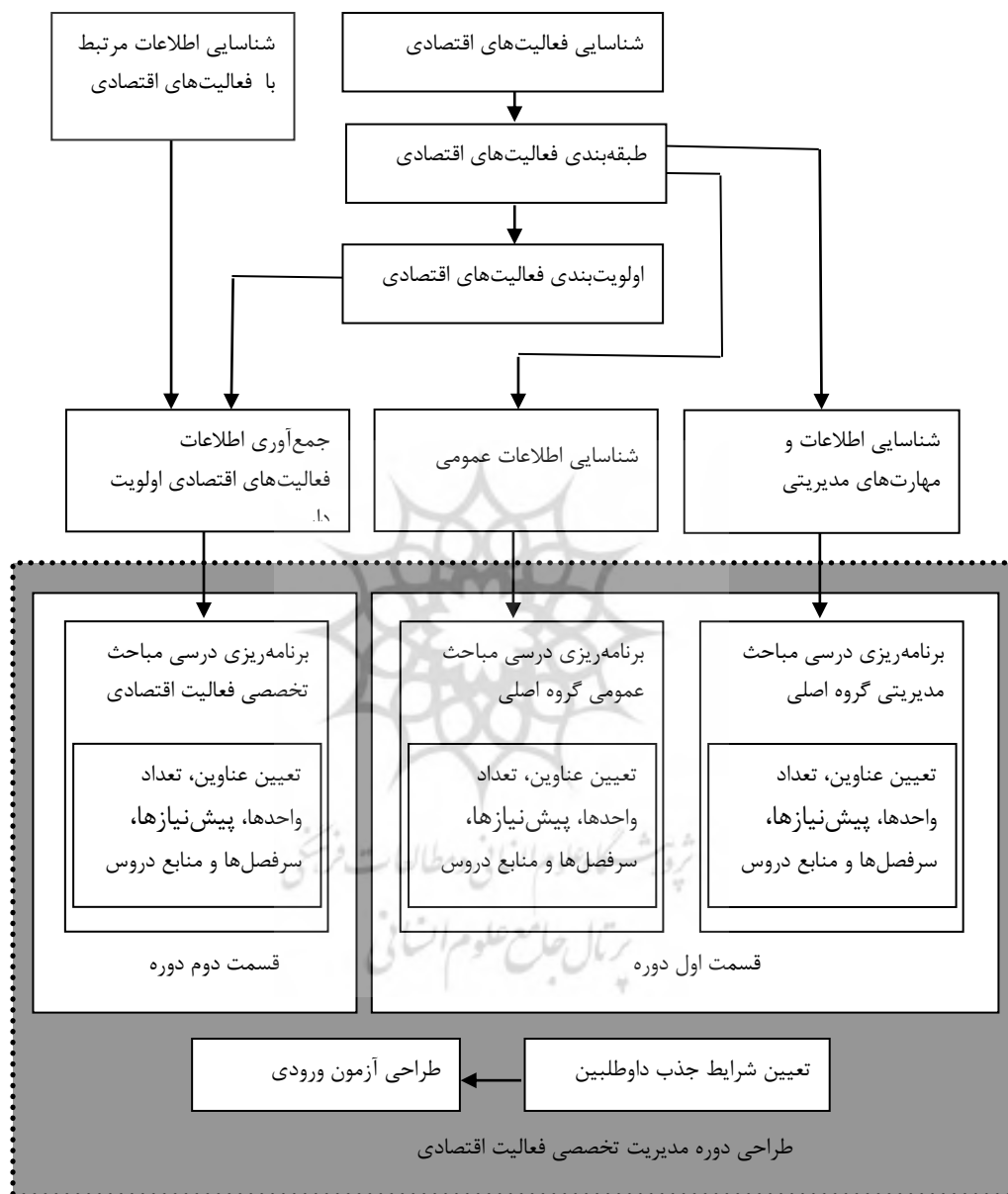
تعریف فوق علاوه بر اینکه برداشت و شناخت واحدی از مفهوم فعالیت اقتصادی را برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، مدیران، محققین و سایر اқشار ذینفع عرضه می‌نماید، امکان شناسایی فعالیتهای اقتصادی در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات را نیز فراهم می‌سازد.

شناسایی کلیه فعالیتهای اقتصادی در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات بر اساس تعریف جامع و مانع بالا، اولین و ضروری‌ترین مرحله محسوب می‌گردد. اجرای این مرحله از آن جهت حائز اهمیت است که نه تنها برای بهبود نظام آموزش مدیریت، بلکه برای بسیاری اهداف دیگر که در راستای توسعه و یا به عبارت دیگر ساماندهی کمی و کیفی فعالیتهای اقتصادی مورد نیاز است حیاتی می‌باشد. به بیانی دیگر ارائه فهرست کاملی از فعالیتهای اقتصادی در فرهنگ‌نامه‌ای تحت عنوان "کتاب ملی فعالیتهای اقتصادی" منبعی خواهد بود که مورد رجوع تقریباً تمام نهادهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و همچنین سازمان‌های دولتی و خصوصی قرار خواهد گرفت. در تحقیقی (Razaghi, 2016) طراحی یک مدل مفهومی پایگاه ملی اطلاعات فعالیت‌های اقتصادی انجام شده است که می‌تواند در دستیابی به پایگاه اطلاعاتی ملی برای فعالیت‌های اقتصادی کل کشور مورد استفاده قرار گیرد.

ب) طبقه‌بندی فعالیتهای اقتصادی

طبقه‌بندی و به عبارت دیگر دسته‌بندی فعالیتهای اقتصادی بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها ماهوی آنها، گام دیگری است که برای شناخت بهتر و کمک به برنامه‌ریزی و ساماندهی فعالیتهای اقتصادی ضروری می‌باشد (Sadrebolurian, 2004). ابتدا کلیه فعالیتهای اقتصادی در سه بخش اصلی اقتصاد شامل کشاورزی، صنعت و خدمات تفکیک می‌شوند. هر بخش شامل تعدادی گروه اصلی و هر گروه اصلی متشکل از تعدادی گروه فرعی می‌باشد. فعالیتهای اقتصادی هر بخش بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها به ترتیب در گروه‌های اصلی و سپس در گروه‌های فرعی قرار می‌گیرند (Sadeghi, 2006).

به عنوان مثال، بخش صنعت متشکل از تعدادی گروه اصلی از جمله گروه اصلی قطعه‌سازی و این گروه اصلی متشکل از تعدادی گروه فرعی از جمله گروه فرعی قطعات ریخته‌گیری و این گروه فرعی متشکل از تعدادی فعالیت اقتصادی از جمله فعالیت اقتصادی ریخته‌گری دقیق می‌باشد. طبقه‌بندی فعالیتهای اقتصادی همانند شناسایی فعالیتهای اقتصادی نه تنها برای مدل مفهومی بهبود نظام آموزش مدیریت، بلکه برای بسیاری از امور کشور ضروری و مورد نیاز می‌باشد.



شکل ۱- ساختار مدل مفهومی نظام آموزشی مدیریت تخصصی مبتنی بر فعالیتهای اقتصادی

ج) اولویت‌بندی فعالیتهای اقتصادی

اولویت‌بندی فعالیتهای اقتصادی از دو جهت حائز اهمیت است. اولاً اهمیت و نقش فعالیتهای اقتصادی در اشتغال و توسعه یکسان نمی‌باشد و ثانیاً طراحی و اجرای همه دوره‌های مدیریت تخصصی فعالیتهای اقتصادی به دلیل محدودیت منابع مالی، انسانی و زمانی به طور هم‌زمان مقدور نیست. لذا ضروری است فعالیتهای اقتصادی بر اساس شاخص‌های موثر در اشتغال و توسعه اولویت‌بندی گردیده و بر اساس آن، برنامه‌ریزی آموزشی دوره‌های مدیریت تخصصی و همچنین دوره‌های مهارت‌های فنی مورد نیاز صورت پذیرد. در تحقیقی (Sadrebolurian, 2004) شاخص‌ها و معیارهای اولویت‌بندی فعالیتهای اقتصادی شناسایی و سپس دو روش اولویت‌بندی TOPSIS و SAW به عنوان روش‌های مناسب و کارآمد معرفی و به صورت مطالعه موردی برای چند فعالیت اقتصادی استفاده گردیده‌است. همچنین در تحقیقی دیگر (Fallah, 2012) با استفاده از اولویت‌بندی فعالیتهای اقتصادی به اولویت‌بندی موضوعات تحقیقاتی پرداخته است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی می‌توانند با هدایت دولت و در چارچوبی منظم، منسجم و هدفمند، خدمات آموزشی خود را پیرامون فعالیتهای اقتصادی اولویت‌دار و متناسب با نیاز بازار کار برنامه‌ریزی نمایند.

د) شناسایی اطلاعات و مهارت‌های مدیریتی

مدیران برای انجام هر چه بهتر وظایف محوله می‌بایست از دانش، مهارت و اطلاعات مدیریتی لازم برخوردار باشند. در این مرحله، حوزه‌هایی از علوم و مهارت‌هایی که به طور عام بر افزایش توان و ظرفیت مدیریتی تأثیرگذار است، شناسایی و تعیین می‌گردد. دامنه و محدوده این حوزه‌ها صرف نظر از نوع فعالیت اقتصادی که شخص مدیر با آن مواجه خواهد شد، توسط افراد با تجربه و خیره که سالیان متمادی در جایگاه مدیریتی ایفای نقش نموده‌اند و همچنین اساتید علم مدیریت مشخص می‌شود. این حوزه‌ها عمدتاً شامل مدیریت عمومی، مدیریت مالی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت عملیات، مدیریت استراتژیک، مدیریت زنجیره تامین، مشتری‌مداری، اصول حسابداری، حقوق و دستمزد، بازاریابی، اقتصاد عمومی، اقتصاد مهندسی، آشنایی با دامنه و تنوع فعالیتهای اقتصادی، آشنایی با قوانین و مقررات دولتی، مالیاتی و مالی و موارد دیگر می‌باشند.

ه) شناسایی اطلاعات عمومی

علاوه بر مباحثی مدیریتی، علوم دیگری وجود دارد که بنابر ضرورت بر درک، شناخت و سطح آگاهی و نیز به طور غیر مستقیم بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های مدیران می‌تواند تاثیر گذار باشد. در این مرحله، محدوده این علوم که اطلاعات عمومی نامیده می‌شود، توسط افراد خیره و با تجربه (همانند مرحله قبل صرف نظر از نوع فعالیت اقتصادی) شناسایی و تعیین می‌گردد. این محدوده عمدتاً شامل مباحثی از قبیل مباحث اخلاقی و تربیتی، ادبیات، معارف، ریاضیات، رایانه، اینترنت، زبان عمومی و تخصصی و غیره می‌شود. البته میزان سطح آشنایی نسبت به این مباحث، فراخور نوع فعالیت‌های اقتصادی در مراحل بعد مشخص می‌گردد.

و) شناسایی اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی

با توجه به اینکه هدف از طراحی و اجرای دوره‌های مدیریت تخصصی، آموزش افراد واجد شرایطی است که در ایجاد و اداره بنگاهی اقتصادی که در یک فعالیت اقتصادی مشخص (تولیدی و یا خدماتی) فعالیت می‌کند، ایفای نقش نماید، لذا لازم است در کنار آموزش مباحث مدیریتی و عمومی که در نیمه اول دوره‌ها به آنها پرداخته خواهد شد، آگاهی و اطلاعات فنی مرتبط با فعالیت اقتصادی را به صورت تخصصی در نیمه دوم دوره‌ها کسب نماید. طبق تعریف، فعالیت‌های اقتصادی از قالب و ساختار یکسان و مشابهی تبعیت می‌کند. نیروی انسانی، تجهیزات و ابزارآلات، فضای کاری، تسهیلات و دانش فنی، عناصر و اجزاء مشترک کلیه فعالیت‌های اقتصادی است. همچنین وجوه مشترک دیگری وجود دارد که بر شباهت ساختاری آنها تاکید می‌کند. شناخت دقیق و کامل این ساختار مشترک کمک می‌کند تا اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی در قالب شناسنامه‌ای واحد قابل شناسایی، دسته‌بندی و جمع‌آوری گردد. قالب و محتوای شناسنامه فعالیت‌های اقتصادی در تحقیقی جداگانه تعیین گردیده است (Razaghi, 2016)، ولی لازم است مجدداً با نگاه آموزشی و با هدف تربیت مدیران متخصص مورد بازنگری قرار گیرد. در شناسنامه طراحی شده برای فعالیت‌های اقتصادی، اطلاعات در سه بخش کلی شامل اطلاعات عمومی و کلی، اطلاعات فنی و تخصصی و اطلاعات وضعیت فعلی و توسعه تفکیک شده‌اند که محتوای هر بخش عبارت است از:

- اطلاعات عمومی و کلی: شرح عمومی، واحد ظرفیت، سرمایه ثابت، سرمایه در گردش، درآمد سالانه، هزینه‌های سالانه نیروی انسانی، مواد اولیه و سربار، اشتغال‌زایی دائم و موقت، فضای مورد نیاز، طول دوره راه‌اندازی و غیره

- اطلاعات فنی و تخصصی: تجهیزات و ابزارآلات، مواد اولیه، مشاغل و تخصصهای نیروی انسانی، تنوع تولیدات و یا خدمات قابل ارائه، تامین کنندگان مواد اولیه و مشتریان، دانش فنی و فناوری، تسهیلات و شرایط اولیه، استانداردهای ایمنی و بهداشتی، فعالیتهای اقتصادی پیش نیاز، برنامه زمان بندی راه اندازی، منابع اطلاعاتی مرتبط و موارد دیگر

- اطلاعات وضعیت فعلی و توسعه: تاریخچه و روند رشد در کشور و جهان، پراکندگی، تعداد شاغلین و بنگاههای فعال در سطح کشور، قوتها، موانع و مشکلات، فرصتها و تهدیدها، برنامهها و حمایتهای دولت، پیشنهادات برای توسعه، نیازهای تحقیقاتی، وضعیت بازار داخل و خارج، برنامههای توسعه دولت و غیره

طبیعی است ساختار اطلاعاتی شناسنامه فعالیت اقتصادی که کلیات آن بیان گردید، می تواند مبنای برنامه ریزی درسی قسمت دوم دورههای مدیریت تخصصی قرار گیرد.

ز) جمع آوری اطلاعات فعالیتهای اقتصادی اولویت دار

با مشخص شدن ساختار شناسنامه که حاوی مجموعه اطلاعات مرتبط و مورد نیاز فعالیتهای اقتصادی می باشد، در این مرحله، به جمع آوری اطلاعات فعالیتهای اقتصادی به ترتیب اولویت اقدام می گردد. همانطور که اشاره شد، اولویت بندی فعالیتهای اقتصادی سبب می گردد، منبع محدود تخصیص یافته برای توسعه آموزشی و تربیت مدیران متخصص به شکل مطلوب و هدفمند مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است برای جمع آوری اطلاعات، مراجعه به افراد خبره و کارشناس مرتبط با هر فعالیت اقتصادی و بهره گیری از دانش و تجربیات آنان که حاصل سالها تلاش و فعالیت است، امری ضروری و موکد می باشد.

بخش دوم: اقدامات مشترک در طراحی دورههای مدیریت تخصصی

اصولاً برنامه آموزشی دورههای مدیریت تخصصی از دو قسمت عمده تشکیل شده است. از آنجائی که هدف مشترک همه دورههای مدیریت تخصصی فعالیتهای اقتصادی، تربیت مدیرانی توانمند، متخصص و آگاه است که با استفاده کارآمد از اجزاء فعالیتهای اقتصادی، بنگاههای اقتصادی را به اهداف از پیش تعیین شده برساند، لذا در قسمت اول، مباحث مدیریتی و عمومی که منجر به ارتقاء توان مدیریتی می گردد، در برنامه آموزشی قرار داده می شود. در قسمت دوم دوره، برنامه آموزشی شامل مباحث فنی و تخصصی است که منجر به تسلط فنی و اطلاعاتی مدیر در فعالیت اقتصادی می گردد که حوزه کاری او در آینده خواهد بود. مجموعه اقداماتی که در ادامه و در تکمیل ساختار مدل مفهومی دورههای مدیریت تخصصی بیان می گردد، برای طراحی هر دوره مدیریت تخصصی فعالیت اقتصادی

باید انجام گردد. البته برای فعالیتهای اقتصادی که در یک گروه اصلی قرار می‌گیرد، انجام بخشی از این اقدامات برای یکبار کفایت می‌کند.

الف) برنامه‌ریزی درسی مباحث مدیریتی گروه اصلی

همان طور که در قسمت (ب) بخش اول تشریح مدل مفهومی اشاره شد، فعالیتهای اقتصادی بر اساس شباهتها و تفاوتها در سه لایه تحت عناوین بخش، گروه اصلی و گروه فرعی طبقه‌بندی می‌گردند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، فعالیتهای اقتصادی که در یک گروه اصلی قرار می‌گیرند، دارای اشتراکات زیادی و سطح و محتوای دانش و مهارتهای مدیریتی مورد نیاز آنها تقریباً یکسان است. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که مدیران بنگاههای اقتصادی فعال در فعالیتهای اقتصادی متعلق به گروههای اصلی متفاوت به یک اندازه نیازمند آشنایی با دانش و مهارتهای مدیریتی نمی‌باشند. بنابراین با مراجعه به نتایج حاصل از قسمت (د) بخش اول مدل مفهومی، محدوده و میزان سطح آشنایی به دانش، اطلاعات و مهارتهای مدیریتی برای هرگروه اصلی تعیین می‌گردد. این حدود و ثغور می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی درسی برای تعیین عناوین، تعدادواحد‌ها، پیش‌نیازها، سرفصل‌ها و منابع دروس مباحث مدیریتی قرار گیرد.

ب) برنامه‌ریزی درسی مباحث عمومی گروه اصلی

همانند قسمت قبل، به دلیل تشابه ماهوی و اشتراکات موجود در فعالیتهای اقتصادی متعلق به یک گروه اصلی، چنین می‌توان استنباط نمود که اطلاعات عمومی مورد نیاز مدیران بنگاههای اقتصادی فعال در آن فعالیتهای اقتصادی تقریباً یکسان و در یک سطح می‌باشد. با پذیرش این موضوع، می‌توان از نتایج حاصل از قسمت (ه) بخش اول مدل مفهومی، برای تعیین محدوده و میزان سطح آشنایی به دانش و اطلاعات عمومی هرگروه اصلی استفاده نموده و سپس برنامه‌ریزی درسی برای تعیین عناوین، تعدادواحد‌ها، پیش‌نیازها، سرفصل‌ها و منابع دروس مباحث عمومی را انجام داد.

ج) برنامه‌ریزی درسی مباحث تخصصی فعالیت اقتصادی

قسمت دوم دوره مدیریت تخصصی به آموزش تئوری و عملی مباحث فنی و تخصصی فعالیت اقتصادی مشخصی می‌پردازد و لذا این قسمت دوره برای هر فعالیت اقتصادی متفاوت خواهد بود. البته همان طور که قبلاً اشاره شد، علی‌رغم تفاوت‌های ماهیتی فعالیتهای اقتصادی در ابعاد مختلف از قبیل مهارتهای فنی نیروی انسانی، تجهیزات و ابزارآلات، دانش

فنی و فناوری و غیره، ساختار و قالب فعالیتهای اقتصادی یکسان می‌باشد. این تشابه ساختاری فعالیتهای اقتصادی باعث می‌شود، ساختار برنامه درسی مباحث تخصصی دوره‌ها نیز مشابه و یکسان باشد. به عبارت دیگر دروس تخصصی برای تمام فعالیتهای اقتصادی از قالبی واحد پیروی نموده، ولی به لحاظ محتوا متناسب با نوع فعالیت اقتصادی متفاوت است. لازم به ذکر است اطلاعاتی که در قالب شناسنامه فعالیت اقتصادی برای یک فعالیت اقتصادی اولویت‌دار (قسمت ۵) بخش اول مدل مفهومی) جمع‌آوری شده است، محتوای علمی برنامه درسی مباحث تخصصی دوره‌ها را تامین می‌کند. برنامه درسی همانند قسمت قبل، شامل عناوین، تعداد واحدها، پیش‌نیازها، سرفصل‌ها و منابع دروس می‌باشد. همچنین گنجاندن برنامه‌های کارگاهی و آزمایشگاهی، کارآموزی، بازدیدهای علمی، انجام پروژه‌های عملی و غیره در برنامه درسی مباحث تخصصی می‌تواند منجر به ارتقاء و غنای علمی و عملی دوره‌ها گردد.

با اتمام برنامه‌ریزی درسی قسمت‌های مختلف هر دوره، شرایط برای تالیف کتب آموزشی دوره‌ها نیز در گام بعدی فراهم می‌شود. تالیف و چاپ کتب آموزشی زمانی از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار خواهد بود که تعداد مخاطبین و علاقمندان برای گذراندن دوره کافی و به لحاظ جغرافیایی در سطح کشور پراکنده باشند.

د) شرایط جذب داوطلبین و آزمون ورودی دوره‌ها

از عوامل مهمی که بر کارآمدی و اثربخشی آموزش تاثیرگذار است، نحوه انتخاب افراد واجد شرایط برای ورود به دوره‌های مدیریت تخصصی می‌باشد. اصولا داوطلبین از دو جنبه باید مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرند. جنبه اول به ارزیابی توان ذاتی مدیریتی داوطلب مربوط می‌شود. موضوعی که از طریق آموزش قابل حصول نمی‌باشد. بعد علمی مدیریت در طی اجرای دوره به افراد منتقل می‌گردد ولی بعد هنری و ذاتی مدیریت از طریق شرایط جذب و آزمون ورودی باید سنجیده شود. بسیاری از افراد جامعه ذاتا توان مدیریتی نداشته و فراگیری علم مدیریت این توان را در آنها ایجاد نمی‌کند و به بیان دیگر آموزش اینگونه افراد عملا بی‌ثمر خواهد بود. بنابر این تنها راه، سنجش توان و ظرفیت ذاتی مدیریتی افراد داوطلب قبل از ورود به دوره‌ها و از طریق ارزیابی سوابق مدیریتی گذشته و آزمون ورودی است. جنبه دوم به سطح علمی و رشته تخصصی داوطلبین مربوط می‌شود. از آنجایی که فعالیتهای اقتصادی به لحاظ ماهیت علمی، فنی، سطح دانش و پیچیدگی بسیار متفاوت و متنوع می‌باشند، لذا تصور اینکه افراد با هر سطح علم و دانش قادرند تا دوره‌های مدیریت

تخصصی را در همه حوزه‌ها با موفقیت به پایان برسانند و در عمل نیز موفق باشند، غیر منطقی و دور از ذهن است. بنابر این بهترین رویه این است که شایستگی علمی و تخصصی افراد داوطلب، فراخور نوع و ماهیت فعالیت اقتصادی مورد علاقه، از طریق شرایط جذب و در صورت نیاز از طریق آزمون ورودی سنجیده شود. به طور خلاصه دو موضوع شرایط جذب به لحاظ سوابق علمی و تجربی داوطلبین و همچنین طراحی آزمون ورودی عواملی هستند که بر نتیجه بخش بودن دوره‌ها در ایجاد اشتغال مولد و توسعه همه‌جانبه موثر خواهند بود و لذا در طراحی دوره‌های مدیریت تخصصی موکدا باید مورد توجه قرار گیرند.

ه) طول دوره‌ها

تفاوت و تنوع موجود در فعالیت‌های اقتصادی به لحاظ ماهیت علمی و فنی و به لحاظ سطح دانش و پیچیدگی بر میزان طول دوره‌ها تاثیرگذار است. به عنوان مثال طول دوره مدیریت تخصصی تولید سیمان در مقایسه با طول دوره مدیریت تخصصی پرورش ماهیان سردآبی طبیعتاً یکسان نمی‌باشد. از سوی دیگر سطح تحصیلات، نوع تخصص و سوابق تجربی داوطلبین که جزء شرایط جذب دوره‌ها محسوب می‌شود، می‌تواند بر طول دوره‌ها تاثیرگذار باشد. به عنوان مثال طول دوره مدیریت تخصصی دندان پزشکی که با هدف آموزش نحوه مدیریت مطب دندان پزشکی انجام می‌شود طولانی مدت نخواهد بود، چرا که تخصص دندان پزشکی که شرط ورود به دوره است، قبلاً در دوره آموزشی طولانی مدتی کسب شده است، این در حالی است که دانش و مهارت مدیریتی لازم برای اداره مطب دندان پزشکی ناچیز و در کوتاه مدت قابل فراگیری است. همچنین تعداد تجهیزات و نیروی انسانی مورد نیاز مطب دندان پزشکی در مقایسه با بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی دیگر محدود بوده و لذا مدیریت آن از پیچیدگی بالایی برخوردار نیست.

اهمیت دوره‌ها و ارزش مدارک تحصیلی

از جمله خلاءهایی که در نظام آموزشی مشاهده می‌شود، فقدان آموزش و تربیت مدیران تخصصی است که علاوه بر کسب قابلیت‌های مدیریتی، در حوزه‌ای مشخص، آشنایی و تسلط کافی به مباحث فنی را دارا باشند. برای رفع این نقیصه، طراحی و اجرای دوره‌های مدیریت تخصصی با هدف تربیت مدیران متخصصی که بتوانند بنگاه‌های اقتصادی را در فعالیت‌های اقتصادی اولویت‌دار راه‌اندازی و مدیریت نمایند، به عنوان راهکاری اثربخش پیشنهاد می‌گردد. برگزاری دوره‌های مدیریت تخصصی از آن جهت حائز اهمیت است که سرمایه‌گذاری برای آموزش یک مدیر تخصصی منجر به ایجاد زمینه اشتغال برای تعدادی از

افراد جامعه، شامل فرد مدیر و همچنین افرادی که توسط همان مدیر برای مهارت‌های مورد نیاز فعالیت اقتصادی شناسایی و بکار گرفته می‌شود، می‌گردد. به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری آگاهانه در آموزش و تربیت افراد مستعد برای مدیریت، زمینه اشتغال بسیاری از افراد جامعه را فراهم می‌نماید و در کاستن فاصله موجود بین آموزش و اشتغال بسیار موثر است.

اجرای این دوره‌ها در کشور و در سطحی گسترده و فراگیر همچنین می‌تواند به رفع یکی از معضلاتی که عموماً دولت‌ها با آن مواجه هستند، کمک نماید. دولت‌ها برای ایجاد اشتغال، تسهیلاتی را در قالب طرح‌های اشتغال‌زا از قبیل وام‌های خود اشتغالی و وام‌های مربوط به طرح‌های زودبازده در اختیار افراد و یا بنگاه‌ها قرار می‌دهد. درصد قابل توجهی از این تسهیلات در مقاصد غیر از آنچه که دولت تعیین کرده است، بکار گرفته می‌شود و یا نتایج و اهداف مورد نظر را در ایجاد اشتغال تامین نمی‌کند. بنابراین این‌گونه طرح‌ها و برنامه‌ها عموماً با چالش جدی از نظر کارآمدی مواجه هستند. از جمله عوامل اصلی تاثیرگذار در بروز این مسئله، عدم بررسی و ارزیابی شایستگی علمی، تحصیلی و تجربی گیرندگان تسهیلات است. طراحی و اجرای دوره‌های مدیریت تخصصی توسط نظام آموزشی از یک سو و درخواست نظام بانکی از متقاضیان دریافت تسهیلات اشتغال‌زا برای ارائه مدارک و گواهی‌های تحصیلی گذراندن این دوره‌ها از سوی دیگر می‌تواند رویه‌ای منطقی و قابل اجرا برای رفع این معضل گردد. این رویه با درصد بالایی تضمین کننده استفاده کامل و صحیح از تسهیلات دولتی برای ایجاد اشتغال مولد آحاد جامعه خواهد بود.

اعتبارسنجی مدل مفهومی

در گام دوم این تحقیق، به منظور اعتبارسنجی مدل مفهومی، پرسشنامه‌ای در بین ۱۵ نفر از خبرگان حوزه اقتصادی در خصوص ارزیابی کارآمدی نظام فعلی آموزش مدیریت و بررسی اعتبار مدل مفهومی پیشنهادی تهیه و توزیع گردید. نتایج حاصل از نظرسنجی در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج پرسش‌نامه اعتبار سنجی مدل مفهومی نظام آموزشی مدیریت تخصصی مبتنی بر فعالیت‌های اقتصادی

سوال	خیلی کم	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
میزان کارآمدی نظام آموزش فعلی در تربیت مدیران	۵۸٪	۲۲٪	۲۰٪	۰٪	۰٪
ضرورت تحول نظام آموزش برای تربیت مدیران	۰٪	۰٪	۲۰٪	۴۸٪	۳۲٪
میزان اثربخشی مدل مفهومی پیشنهادی	۰٪	۰٪	۲۶٪	۵۴٪	۲۰٪
میزان امکان‌پذیری اجرای مدل مفهومی پیشنهادی	۰٪	۰٪	۲۰٪	۵۲٪	۲۸٪
ضرورت تحول نظام آموزشی مدیریت بر اساس مدل پیشنهادی	۰٪	۰٪	۲۸٪	۴۲٪	۳۰٪

نتایج حاصل از نظرسنجی که در جدول (۳) منعکس شده است و همچنین نظرات تشریحی خبرگان را می‌توان در عبارات ذیل خلاصه نمود:

- نظام آموزش فعلی در تربیت و پرورش مدیرانی متخصص، آگاه و توانمند، از کارآمدی لازم برخوردار نمی‌باشد.
- تحول در نظام آموزش فعلی امری ضروری است.
- اثربخشی مدل مفهومی پیشنهادی که مدیران را به صورت تخصصی مبتنی بر ماهیت فعالیت‌های اقتصادی تحت آموزش و تربیت قرار می‌دهد، مورد تایید می‌باشد.
- مدل مفهومی پیشنهادی قابلیت اجرایی دارد و برای پیاده‌سازی آن حمایت‌های دولت لازم است.
- اجرای مدل مفهومی پیشنهادی، نقایص آن را مشخص می‌نماید و با رفع این نواقص، مدل مذکور کامل‌تر می‌گردد.
- ضرورت تحول در نظام آموزشی مدیریت فعلی بر اساس مدل مفهومی پیشنهادی مورد تایید می‌باشد.

در بخش دیگری از نظرسنجی، موانع احتمالی که می‌تواند در اجرای مدل مفهومی پیشنهادی تاثیر گذار باشد مورد پرسش قرار گرفت. طبق نتایج بدست آمده، خبرگان موانع

قانونی و محدودیت مالی را برای اجرای مدل تایید نمی‌کنند. اکثر این افراد معتقدند، وجود مشکلاتی در برگزاری دوره‌های آموزشی مدیریت فعالیتهای اقتصادی برای اولین بار، طبیعی است. برای مثال تأمین کادر آموزشی مجرب، تهیه منابع علمی مناسب و تهیه تجهیزات آموزشی از جمله مشکلات اجرایی است که در برگزاری دوره‌های اولیه ممکن است پیش آید. همچنین عده‌ای دیگر از افراد خبره معتقدند، شرایط فرهنگی برای اجرای دوره‌ها باید فراهم گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

اغلب صاحب نظران بر این نکته تأکید دارند که مدیریت هم علم است هم هنر. لذا اگر چه جوهره مدیریتی در افراد شرط لازم است، اما هرگز کافی به نظر نمی‌رسد و اصول، مبانی، روش‌ها، رویکردها و تکنیک‌های مدیریتی، اکتسابی هستند. بر اساس نتایج حاصل از نظرسنجی، مدیران بنگاه‌های اقتصادی از آشنایی مناسب و لازم با مهارت‌های مدیریتی برخوردار نمی‌باشند و نظام آموزش مدیریتی فعلی در تربیت مدیران متخصص از کارآیی مناسب برخوردار نیست. برای رفع این معضل، در این مقاله، مدلی مفهومی برای طراحی دوره‌های آموزشی تحت عنوان دوره‌های مدیریت تخصصی فعالیتهای اقتصادی ارائه شده است. ساختار این مدل مفهومی از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول مجموعه اقدامات پیش‌نیازی است که باید قبل از طراحی دوره‌ها، مدیران بنگاه‌های اقتصادی بخش‌های مختلف آن را طی نمایند و بخش دوم مجموعه اقدامات مشترکی است که در طراحی هر دوره می‌بایستی انجام پذیرد. بخش اول شامل شناسایی فعالیتهای اقتصادی، طبقه‌بندی فعالیتهای اقتصادی، اولویت‌بندی فعالیتهای اقتصادی، شناسایی اطلاعات و مهارت‌های مدیریتی، شناسایی اطلاعات عمومی شناسایی اطلاعات مرتبط با فعالیتهای اقتصادی، جمع‌آوری اطلاعات فعالیتهای اقتصادی اولویت‌دار و بخش دوم شامل شناسایی فعالیتهای اقتصادی، طبقه‌بندی فعالیتهای اقتصادی، اولویت‌بندی فعالیتهای اقتصادی، شناسایی اطلاعات و مهارت‌های مدیریتی، شناسایی اطلاعات عمومی، شناسایی اطلاعات مرتبط با فعالیتهای اقتصادی، جمع‌آوری اطلاعات فعالیتهای اقتصادی اولویت‌دار، می‌باشد. و همچنین به منظور اعتبارسنجی مدل مفهومی پرسشنامه‌ای در بین ۱۵ نفر از خبرگان حوزه اقتصادی در خصوص ارزیابی کارآمدی نظام فعلی آموزش مدیریت و بررسی اعتبار مدل مفهومی پیشنهادی تهیه و توزیع گردید. هدف این دوره‌ها تربیت مدیرانی است که با کسب دانش و توانایی لازم، مبادرت به راه‌اندازی و مدیریت آگاهانه و هوشمندانه بنگاه‌های اقتصادی

نمایند. طبیعتاً مدیریت صحیح و کارآمد این بنگاه‌ها در فعالیتهای تولیدی و یا خدماتی که اصطلاحاً فعالیتهای اقتصادی نامیده می‌شود منجر به عرضه با کیفیت کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه خواهد شد. ساختار آموزشی این دوره‌ها به گونه‌ای است که از یک سو افراد با دانش و مهارتهای مدیریتی و از سوی دیگر با اطلاعات و دانش فنی و تخصصی فعالیت اقتصادی مشخصی آشنا و مسلط شوند. نکته قابل تامل در آموزش مهارتهای مدیریتی این است که مدیران فعال در فعالیتهای اقتصادی به یک اندازه نیازمند آشنایی با مهارتهای مدیریتی نیستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فعالیتهای اقتصادی که ماهیت مشابهی دارند و به عبارتی دیگر در یک گروه اصلی قرار می‌گیرند، نیاز به مهارتهای مدیریتی تقریباً یکسانی داشته و در نتیجه برنامه آموزشی آنها در حوزه مدیریتی یکسان خواهد بود. این موضوع در مورد آموزش مباحث فنی و تخصصی فعالیتهای اقتصادی متفاوت است و هر دوره صرفاً برای یک فعالیت اقتصادی برنامه‌ریزی می‌شود. پیش‌بینی می‌شود با عملیاتی نمودن مدل مفهومی ارائه شده در این مقاله، تحول اساسی در ساختار و کارآمدی نظام آموزش مدیریتی ایجاد شده و اقدامی زیربنایی در کاستن فاصله موجود بین آموزش و اشتغال صورت پذیرد.

References:

- AliYari, Sh., (2005), Prioritizing economic activities based on job creation indices, MS Thesis. Imam Hosein University. (In Persian).
- Emad zadeh, M., Del angizan, S., (2005), the role of universities in an evolving world, The First Conference on Globalization of the Economics, Razi University, Kermanshah, (In Persian).
- Fallah, H., Ali Yari, Sh.,(2005), The role of systemic attitude on the issue of employment and the necessity of creating a comprehensive information system and system, Conference on Information Technology in Employment, Tehran, Iran, (In Persian).
- Fallah, H., Ali Yari, Sh., (2009), Educational guidance and planning in the country based on prioritizing economic activities, the first national conference on the development of economic activities, (In Persian).
- Fallah, H., Jahanbaz, A., (2012), Provides a method for prioritizing and budgeting research topics aimed at developing economic activities, Science and Technology Policy, Number 3, (In Persian).
- Farastkhah, M., Kebriaii, A.,(2011), Higher education at the dawn of the twenty-first century, Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education , Number 17, (In Persian).
- Hamdshafiee, M., (2016), Management is science or art, Third International Management Conference in the 2nd Century.
- Hasani, N., (2015), Development of a Conceptual model for standardization of Economic Activities MS Thesis. Payame Noor University. (In Persian).
- Hashemi, H.,(2007), Management training in the cement industry, monthly magazin cement industry, Number 82, (In Persian).
- Harandi, F., (2004), Incomplete employment, concepts and methods of measurement, , Statistical Center of Iran. (In Persian).
- Management and Planning Organization and Budget, (2006), International Classification of All Economic Activities, Statistical Center of Iran. (In Persian).
- Razaghi, S., (2016), Conceptual Design of National Economic Activities Database, MS Thesis. Payame Noor University, (In Persian).
- Sadeghi, A., Salimi, M., Asgharian, A., (2006), Reviewing the classification of economic activities, Necessity and Solutions, Quarterly Journal of Statistical Selection, No. 3. . (In Persian)
- Sadrebolurian, S., (2004), Designing an Expert System for Investment Advisers, MS Thesis. Imam Hosein University. (In Persian).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی